



## Woman in Development and Politics

### Women's gender identity (femininity) in Hazrat Zahra's practical conduct (SIRAH)

Yahya Bouzarinejad<sup>1</sup> | Abolfazl Eghbali<sup>2</sup>

1. Corresponding Author, Department of Islamic Social Sciences, University of Tehran, Tehran, Iran. E-mail: [y.bouzarinejad@ut.ac.ir](mailto:y.bouzarinejad@ut.ac.ir)  
 2. Department of Islamic Social Sciences, University of Tehran, Tehran, Iran. E-mail: [abolfazleghbali@ut.ac.ir](mailto:abolfazleghbali@ut.ac.ir)

#### Article Info

**Article type:**  
Research Article

#### Article history:

Received: 20 February 2023  
 Received in revised form: 15 April 2023  
 Accepted: 31 May 2023  
 Published online: 22 June 2023

#### Keywords:

Gender Identity,  
 Hazrat Zahra (S.A.),  
 Practical Conduct (SIRAH),  
 Women.

#### ABSTRACT

In social studies, reference groups, models, and effective methods of living are among the most significant elements contributing to the introduction of ideal lifestyle types across different societies. Iranian society considers religion and religious leaders among the most effective models and references for determining lifestyles. Accordingly, studies conducted on the level and quality of religiosity in Iranian society demonstrate religious patterns in personal relationships among Iranians. Iranian society considers religion and religious leaders among the most effective models and references for determining lifestyles. Accordingly, studies conducted on the level and quality of religiosity in Iranian society demonstrate religious patterns in personal relationships among Iranians. Consequently, it appears that explaining and introducing religious lifestyle patterns in relation to history and the practical behavior of religious elders and innocents (PBUH) may have a substantial impact on determining and directing Iranian lifestyles. Considering Hazrat Zahra's (S.A.) practical behavior as a transhistorical model, the model of Muslim women can be derived in many aspects of their personal, family, and social lives. Thus, this article attempts to interpret their practical behavior from a gender identity and femininity perspective. This study uses a documentary methodology and authentic texts were used for data collection. On the basis of the ontological, anthropological, religious-cognitive, and Islamic epistemic values, the present study identifies the components of femininity in the context of hijab, modesty and immaculacy, wifehood, motherhood, housekeeping, and meaningful social and described a female narrative of her traits and personal, family and social life.. And each Some of them have been reviewed historically in the practical conduct of Hazrat Zahra (S.A.) and described a female narrative of her traits and personal, family and social life. practical conduct (SIRAH) is a reference for many questions and issues of today's era, and referring to them can be a guide for people of science and thought, as well as policy makers of the country in various fields. Therefore, it is suggested that the study of practical conduct (SIRAH) should be placed on the agenda of the research people and the scientific community of the country.

**Cite this article:** Bouzarinejad, Y., & Eghbali, A. (2023). Women's gender identity (femininity) in Hazrat Zahra's practical conduct (SIRAH). *Women in Development and Politics*, 21(2), 305-327. DOI: <https://doi.org/10.22059/JWDP.2023.355729.1008317>



© The Author(s).

Publisher: University of Tehran Press.

DOI: <https://doi.org/10.22059/JWDP.2023.355729.1008317>



انتشارات دانشگاه تهران

## زن در توسعه و سیاست

### هویت جنسیتی زنانه (زنانگی) در سیره حضرت زهرا (س)

یحیی بوذری نژاد<sup>۱</sup> | ابوالفضل اقبالی<sup>۲</sup>

۱. نویسنده مسئول، گروه علوم اجتماعی اسلامی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران، تهران، ایران. رایانامه: [bouzarinejad@ut.ac.ir](mailto:bouzarinejad@ut.ac.ir)

۲. گروه علوم اجتماعی اسلامی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران، تهران، ایران. رایانامه: [abolfazleqbali@ut.ac.ir](mailto:abolfazleqbali@ut.ac.ir)

اطلاعات مقاله	چکیده
<p>نوع مقاله: مقاله پژوهشی</p> <p>تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۲/۰۱</p> <p>تاریخ بازنگری: ۱۴۰۱/۱۱/۰۶</p> <p>تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۳/۱۰</p> <p>تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۰۴/۰۱</p> <p><b>کلیدواژه‌ها:</b></p> <p>هویت جنسیتی، حضرت زهرا (س)، زنانه، سیره.</p>	<p>گروه‌های مرجع، الگوها و شیوه‌های زیست تأثیرگذار که به معرفی تیپ‌های ایدئال سبک زندگی در جوامع مختلف منجر می‌شوند، یکی از ابعاد مهم حوزه مطالعات اجتماعی هستند. در جامعه ایرانی، یکی از این الگوها و مراجع تأثیرگذار در تعیین شیوه‌های زیست و سبک زندگی، دین و سیره بزرگان دینی است. پژوهش‌هایی که درباره میزان دینداری و کیفیت آن در جامعه ایرانی صورت گرفته است، نشان از وجود الگوهای دینی در مناسبات زندگی ایرانیان دارد. به این ترتیب به نظر می‌رسد تبیین و معرفی الگوهای سبک زندگی دینی در بستر تاریخ و سیره بزرگان دین و معصومان (ع) در تعیین و جهت‌دهی به شیوه‌های زیست ایرانیان سهم مؤثری خواهد داشت. سیره حضرت زهرا (س) به مثابه یک الگوی فراتاریخی، ظرفیت عظیم و تأثیرگذاری برای استخراج الگوی زن مسلمان در شئون مختلف زندگی فردی، خانوادگی و اجتماعی زنان دارد؛ بنابراین، این مقاله سیره ایشان را از منظر هویت جنسیتی و زنانگی بازخوانی می‌کند. روش تحقیق اسنادی است و از متون معتبر برای جمع‌آوری داده‌ها بهره گرفته شده است. همچنین پژوهش حاضر براساس مبانی هستی‌شناختی، انسان‌شناختی، دین‌شناختی و ارزش‌شناختی اسلامی، مؤلفه‌های هویت جنسیتی زنانه را در محورهای حجاب، حیا و عفت، همسری، مادری، خانه‌داری و حضور مؤثر اجتماعی تعریف می‌کند، هر یک از آنها را در سیره حضرت زهرا (س) بررسی تاریخی می‌کند و روایتی زنانه از منش و زیست فردی، خانوادگی و اجتماعی ایشان ارائه می‌دهد.</p>

**استناد:** بوذری نژاد، یحیی و اقبالی، ابوالفضل (۱۴۰۲). هویت جنسیتی زنانه (زنانگی) در سیره حضرت زهرا (س). زن در توسعه و سیاست، ۲۱(۲)، ۳۰۵-۳۲۷.

DOI: <https://doi.org/10.22059/JWDP.2023.355729.1008317>



© نویسندگان.

ناشر: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.

## ۱. مقدمه

هویت به عنوان پاسخ فرد به کیستی یا چیستی خود، یکی از عناصر مهم زندگی انسان است که ساحات مختلف زندگی او را تحت تأثیر قرار می‌دهد. تصویر فرد از خود، گاه با مفاهیم دیگری هم‌نشین می‌شود و تعریف جدیدی از خویشتن و هویت ایجاد می‌کند. یکی از این مفاهیم «جنسیت» است که وقتی در کنار هویت قرار می‌گیرد، تصویری از زنانگی یا مردانگی نزد فرد ایجاد می‌کند و ارزش‌های متناسب با هویت جنسیتی را در روند جامعه‌پذیری او درونی می‌سازد. این ارزش‌های جنسیتی نقشی بسیار تعیین‌کننده در ابعاد مختلف زندگی فرد ایفا می‌کند.

زنانگی و مردانگی تا سالیان متمادی اموری ذاتی و مبتنی بر طبیعت انسان‌ها تلقی شده و شیوه زیست فردی و اجتماعی متناسب با جنسیت را در طول تاریخ شکل داده بود. ادبیات رایج در نظریه‌های فلسفی و اجتماعی در طول تاریخ نیز غالباً مبتنی بر طبیعی بودن منشأ زنانگی و مردانگی بود (Harding, 1998: 9). اما از حدود دو قرن پیش و با ظهور و گسترش نظریه‌های فمینیستی به‌ویژه در موج دوم و نقد ایده زنانگی ذاتی، این الگو به چالش کشیده شد. برخلاف ذات‌گرایان که زنانگی و مردانگی را طبیعت‌بنیاد فهم می‌کردند (فعالی، ۱۳۸۸: ۱۳۲)، فمینیست‌ها با جداانگاری دو مفهوم جنس<sup>۱</sup> و جنسیت<sup>۲</sup> بر این عقیده تأکید می‌کنند که زنانگی و مردانگی نه یک مفهوم زیستی و فیزیولوژیک، بلکه امری اجتماعی و برساخته فرهنگ و تاریخ است (Feridan, 1963: 135; De Beauvoir, 1949: 85; Millett, 1969: 129). آن‌ها بر این عقیده‌اند که جنسیت‌گرایی عامل تعیین‌کننده در جایگاه فرودست زنان در طول تاریخ بوده و برای تغییر این وضعیت و کسب موقعیت اجتماعی برابر با مردان باید بر انسانیت به‌مثابه امر مشترک در زن و مرد تأکید کرد (Barrett & Philips, 1992: 115; Cahoon, 2003: 258).

با نفوذ این ادبیات در بدنه اجتماعی جوامع مدرن، کم‌کم تقسیم جنسیتی نقش‌ها بر مبنای تفاوت‌های زن و مرد، از نظام اجتماعی این جوامع خارج شد و ایفای نقش بر مبنای یکسانی و تشابه زن و مرد در حقوق و فرصت‌های برابر اجتماعی جایگزین آن شد. این روند به بازتعریف زنان از هویت تاریخی زنانه خود در شکل و قالب جدید و امروزی منجر شد و هویت جنسیتی آنان رنگ دیگری به خود گرفت. این پدیده با گسترش ادبیات توسعه و نفوذ ارزش‌های مدرنیسم به جوامع سنتی دیگر، سبب ایجاد تحولاتی در سازمان نقش اجتماعی زن و مرد شد. در کشور ما نیز به تبع تحولات به‌وجودآمده در جهان و ورود نظریه‌های فمینیستی، زنان با نادیده‌گرفتن هویت تاریخی و

---

1. sex

2. gender

طبیعی خود و پشت کردن به نقش‌های خانوادگی، به بیرون از خانه هجوم آوردند و برای کسب جایگاه اجتماعی و مشاغل بیرون از خانه با یکدیگر به رقابت پرداختند. صرف نظر از آنچه در تاریخ انسانی بشر رخ داده است، دیدگاه اسلامی درباره زنانگی و مردانگی متفاوت با روندهای تاریخی است. در نگاه اسلامی، نه مرد نسبت به زن به واسطه مردانگی برتری دارد و نه زنانگی علت موجهی برای تقدیس زنان است (Allasvand, 1982: 89; Beheshti, 1982: 89; Bostan, 2006: 113; Zibaeinejad, 2004: 72; 2001: 35). اما برابری زن و مرد در شأن انسانی در نگاه اسلام (6: Fath; 72: Tobe; 35: Ahzab; 13: Hojrat) به معنای نفی تفاوت‌های آنان در خلقت تکوینی نیست. در ادبیات دینی تفاوت‌های تکوینی نه تنها منشأ تبعیض نیست، بلکه نشانه حکمت و تدبیر خدا است تا شرایطی ایجاد شود که زن و مرد هم در مسیر کمال، متناسب با شرایط و ویژگی‌های خاص خود طی طریق و برای یکدیگر نقش مکمل را ایفا کنند (Rauf, 1998: 94; Mirkhani, 2001: 76).

گروه‌های مرجع، الگوها و شیوه‌های زیست تأثیرگذار که سبب معرفی تیپ‌های ایدئال<sup>۱</sup> سبک زندگی در جوامع مختلف می‌شوند، یکی از ابعاد مهم حوزه مطالعات اجتماعی هستند (Ghahremaninejad, 2015: 19). در جامعه ایرانی، یکی از این الگوها و مراجع تأثیرگذار در تعیین شیوه‌های زیست و سبک زندگی، دین و سیره بزرگان دینی است. پژوهش‌هایی که درباره میزان دینداری و کیفیت آن در جامعه ایرانی صورت گرفته نشان از الگوهای دینی در مناسبات زندگی ایرانیان دارد (Faraji, 2009: 52; Ghiasvand, 2006: 37). به این ترتیب به نظر می‌رسد تبیین و معرفی الگوهای سبک زندگی دینی در بستر تاریخ و سیره بزرگان دین و معصومان (ع) در تعیین و جهت‌دهی به شیوه‌های زیست ایرانیان سهم مؤثری خواهد داشت.

وجود مقدس حضرت فاطمه زهرا (س) که یکی از معصومان (ع)، برترین زنان و از حجت‌های خدا بر مردم است (Tabasi, 2010: 63)، ظرفیت غنی و تأثیرگذاری در تعیین الگوی زندگی زنان مسلمان ایرانی دارد و بررسی هویت جنسیتی در سیره ایشان دارای اهمیت تاریخی است (Alviri, 2011: 29). با عنایت به این مقدمه، بازخوانی هویت جنسیتی زنانه از منظر دین اسلام در پرتو سیره اسوه زنان عالم حضرت فاطمه زهرا (س) رسالت پژوهش حاضر خواهد بود.

## ۲. پیشینه پژوهش

سیره حضرت زهرا (س) موضوع پژوهش‌های تاریخی و الهیاتی بسیاری بوده است. هریک از این مطالعات با رویکرد خاصی به سیره ایشان پرداخته‌اند. برخی از منظر سیاسی-اجتماعی ( Khazali, 2005; Nikouboresh, 2005; Babakarimi, 2003; Nemati, 2008; 2006)، برخی از منظر علمی و عملی (Nuri, 2009; Foruzesh, 2009; Ghadirabyane, 2007)، برخی با رویکرد تربیتی (Zarei & Kardavani, 2015; Gharavi, 2004)، برخی از منظر شخصیت و سبک زندگی (Shafibour, 2008; Akuchkian, 2005; Ghahremaninejad, 2015) زندگی و سیره حضرت فاطمه (س) را مطالعه کرده‌اند. رویکرد جامعه‌شناسی تاریخی به سیره حضرت زهرا (س) و واکاوی یک امر اجتماعی و جنسیتی در زندگی و شخصیت ایشان، ایده محوری پژوهش حاضر است. درباره وجه تمایز این تحقیق با مباحث پرتکرار سیره‌پژوهی حضرت زهرا (س) باید گفت پژوهش حاضر با استفاده از یک مبانی نظری متقن و مدل مفهومی مشخص، خوانشی متفاوت از سیره حضرت ارائه می‌دهد و ساحت معنایی جدیدی به آن می‌بخشد.

## ۲-۱. مبانی نظری پژوهش

### ۲-۱-۱. مبانی هستی‌شناختی

در جهان‌بینی اسلامی، اعتقاد بر این است که هستی دارای یک خالق و آفریدگار است و هر آنچه در زمین و آسمان‌ها اعم از موجودات زنده و بی‌جان وجود دارند، همگی مخلوق خداوند متعال هستند و چیزی در هستی نیست که از قلمرو آفرینش خداوند خارج باشد. جهان در نگرش جهان‌بینی توحیدی با عنایت الهی نگهداری می‌شود و اگر لحظه‌ای عنایت خداوند از این جهان گرفته شود، نابود خواهد شد. تمام واقعیت جهان از خدا و منتسب به حق است. در مکتب اسلام، جهان هستی و موجودات در آن و به‌خصوص انسان، به‌سوی مقصدی معلوم در حرکت‌اند و چنین نیست که عالم هستی در مسیری نامشخص و مبهم و بی‌هیچ هدفی در حرکت باشد، بلکه آفریدگار جهان، آن را به‌سوی مقصدی و هدفی معین رهنمون ساخته است؛ بنابراین «تنوع‌ها و تفاوت‌ها نشانه کاستی در کار طبیعت و خلقت نیست، بلکه هرکدام دقیقاً در راستای اهداف حکیمانه و مدبرانه آفرینش است و این تنوع‌ها و تفاوت‌های دقیق در ادامه به تجانس و انسجام جامعه ختم می‌شود» (Javadiamoli, 2007: 127). در آیات قرآن خداوند به دفعات خلقت هستی و انسان را دارای هدف و هدف از خلقت را عبودیت و معرفت معرفی می‌کند (Dokhan: 38).

در مکتب اسلام، جهان هستی و موجودات و به‌خصوص انسان، به‌سوی مقصدی معلوم در حرکت‌اند و چنین نیست که عالم هستی در مسیری نامشخص و مبهم و بی‌هیچ هدفی در حرکت باشد،

بلکه آفریدگار جهان، آن را به‌سوی مقصدی و هدفی معین و روشن رهنمون ساخته است. اعتقاد به اصل هدفمندی عالم و عبث‌نبودن آفرینش آن، نقش مهمی در حیات انسان ایفا می‌کند و چنین انسانی هرگز جهان و زندگانی در آن را لغو و بیهوده نمی‌یابد، بلکه تلاش او در این جهت است که حیات و زندگی خویش را با نظام آفرینش هماهنگ سازد. در نگاه اسلامی، این اعتقاد وجود دارد که خلقت هستی کاملاً هدفمند و غایت‌محور است و خداوند حکیم و عادل، نظام آفرینش را براساس یک طرح قبلی و برنامه هدف‌دار استوار کرده است. جهان از مبدئی خردمند آفریده شده و به‌سوی غایتی حکیمانه در حرکت است. در این جهان هدفمند، هیچ موجودی گزاف و بی‌حساب آفریده نشده و سستی و کژی در این جهان راهی ندارد.

هستی‌شناسی دینی بر این اعتقاد است که صفات کمالیه خدا اقتضا دارد جهان به‌گونه‌ای آفریده شود که در مجموع بیشترین کمال و خیر ممکن را داشته باشد؛ یعنی از برکت نظام احسن که بر جهان آفرینش حاکم است، انسانی که از ماده زمینی خلق شده، بتواند با پیمودن راه تکامل به گوهری آسمانی و شریف تبدیل شود، از نظر مراتب کمال از هر موجود دیگر برتری یابد و به خدا تقرب جوید. خلق جمادات و نباتات و حیوانات و... در راستای پیدایش نظام احسنی است که در مجموع، زمینه رشد انسان را فراهم می‌آورد.

تناسب میان تکوین و تشریح به‌عنوان اصل دیگر در مبانی هستی‌شناختی اسلام مبین آن است که به‌دلیل غایت‌مندبودن هستی و حکیمانه و عادلانه‌بودن خلقت، بین هست‌ها و بایست‌ها ارتباط وجود دارد. بدین معنی که بایست‌ها بر مبنای هست‌ها پایه‌گذاری می‌شوند. به عبارت دیگر، عدل و حکمت خالق هستی بر این مبتنی است که ویژگی‌های تکوینی اساس تفاوت‌ها در تشریح است (Zibaeinejad, 2004: 43). مراد از تکوین یا هست‌ها ویژگی‌ها و زمینه‌هایی ذاتی است که خداوند در خلقت مخلوقات، اعم از زن و مرد و موجودات دیگر، قرار داده است و این ویژگی‌ها سنت‌هایی تغییرناپذیر هستند؛ برای مثال دیدگاه اسلامی بر این اعتقاد است که زن و مرد هر یک دارای ویژگی‌ها و زمینه‌های تکوینی خاص خود هستند که نوعاً میان این دو جنس مشترک و تغییرناپذیرند. یکی از این ویژگی‌ها این است که زنان نوعاً افرادی احساسی و عاطفی‌اند و مردان نوعاً افرادی خشن و عقلانی هستند. این ویژگی‌ها از ابتدای خلقت آنان در وجودشان به‌ودیعه گذارده شده است.

مراد از تشریح و بایست‌ها همان قانون‌گذاری و وضع هنجارهای متناسب با زندگی فردی و اجتماعی انسان است که هم در دیدگاه اسلامی هست و هم به‌نظر می‌رسد شرط عقل بر این استوار است که ارتباطی انکارناپذیر میان هست‌ها و بایست‌ها یا همان تکوین و تشریح وجود دارد. به عبارت دیگر، اعتقاد دینی و عقلانی بر این است که قوانین و هنجارها باید بر مبنای ویژگی‌های افراد وضع شود

و بدون در نظر گرفتن تفاوت‌های تکوینی زن و مرد نمی‌توان قوانین عادلانه فردی و اجتماعی برای آنان وضع کرد. آیات متعددی در قرآن به تفاوت‌های تکوینی مخلوقات و همچنین زن و مرد اشاره می‌کنند (Taha: 50).

در اسلام یگانگی و وحدت هدف، دلیل بر یگانگی و وحدت راه‌های رسیدن به آن نیست و راه به کمال رسیدن هر کس متناسب با ظرفیت وی تعریف می‌شود؛ بنابراین در نگاه دینی، تفاوت‌های زن و مرد که منشأ تفاوت در راه‌های رسیدن به کمال است، زمینه‌ساز درک متقابل این دو و در نهایت رسیدن جامعه به انسجام و یکپارچگی می‌شود و تفاوت در کارکردهای زن و مرد به هیچ‌وجه به معنای برتری کسی بر دیگری نیست.

### ۲-۱-۲. مبانی انسان‌شناختی

در نظام اعتقادی اسلام، محور و مدار هستی خداوند است و سایر موجودات جهان، مخلوق او و در نسبت با او به‌شمار می‌آیند. «در این نظام اعتقادی، خداوند دارای وجود ازلی و ابدی و متصف به صفاتی چون حکمت، عدل، تدبیر و علم است. هر موجودی در نظام هستی دارای شأن و مرتبه‌ای بوده و برخوردار از استعدادها و امکان‌هایی برای هدایت و رشد است» (Motahari, 2004: 45). در این دیدگاه، انسان در بین سایر مخلوقات هستی به دلیل دارا بودن عقل و اختیار نسبت به سایر موجودات دارای شأن و منزلت و جایگاه فراتر در نظام هستی است؛ به طوری که خداوند متعال به ملائک مقرب خود نیز دستور می‌دهد تا به انسان سجده کنند. در این نگاه، هستی انسان اصیل و هستی همه موجودات طفیلی وجود انسان است. انسان در نگاه دینی خلیفه و جانشین خدا بر زمین تلقی می‌شود. باین حال انسان موجودی بیگانه و بریده از عالم هستی نیست و با دیگر آفریدگان و موجودات هستی در مخلوق بودن اشتراک دارد. به این ترتیب برترین و بالاترین درجه و مقامی را که می‌توان برای انسان متصور شد، مقام «عبد» و بندگی است و این صفتی است که برای پیامبر عظیم‌الشأن اسلام (ص) به کار می‌بریم.

در نظام اعتقادی دین مبین اسلام، تنها موجودی که وجود او بی‌نهایت است و صفات ایشان دارای هیچ محدودیتی نیست، خداوند است. به عبارت دیگر، وقتی صفتی را به خداوند اطلاق می‌کنیم، آن صفت بدون حد و بی‌نهایت در وجود حضرت حق متجلی است. صفاتی مانند قادر، عالم، حکیم، مدبر، نور، رحمان، عظیم، کبیر، سبحان، کریم، مجید، جمیل، حلیم، خبیر و... در بالاترین حد خود که غیرقابل تصور است، در وجود او جاری است. از سوی دیگر این دیدگاه بر آن است که صفات حضرت حق در وجود انسان نیز که اشرف مخلوقات او است متجلی است و تنها تفاوت آن در حد و نهایتی است که بر وجود انسان حاکم است. به عبارت دیگر، انسان از آن جهت که جانشین و خلیفه حضرت باری

تعالی بر زمین است، صفات خداوند را دارد و به صورت بالقوه می‌تواند تا مرزهای بی‌نهایت که مصداق آن پیامبران و ائمه اطهار (ع) هستند، پیش رود. تنها تفاوت آن با خداوند در این است که وجود انسان محدود است و خداوند متعال وجودی بی‌نهایت دارد (Nasri, 2000: 63)؛ بنابراین انسان موجودی است که از یک طرف دارای قدرت، حکمت، تدبیر، عقل، علم و... است و از طرف دیگر تمام این صفات در وجود او چارچوب دارد.

یکی از مبانی انسان‌شناختی دین اسلام، برخورداری یکسان زن و مرد از شأن انسانی و استعداد برابر هر دو در پیمودن راه‌های کمال و رسیدن به قرب الهی است. مبنای‌ترین اصل در ارزش‌گذاری زن و مرد، اصل «وحدت نوع» است که حقیقتی فراتر از ملاک جنسیت است و در این مرحله تفاوتی میان جنس زن و جنس مرد وجود ندارد. آیات بسیاری در قرآن وجود دارند که به یکسان‌بودن شأن زن و مرد در نزد خداوند دلالت و نیز الگو بودن بعضی از زنان را برای انسان‌ها تأیید می‌کنند (Tahrim: 11).

با عنایت به این حقیقت مهم که زن و مرد در انسانیت برابرند، نکته مهم این است که زن و مرد در ساحت آفرینش و خلقت دارای تفاوت‌ها و تمایزات تکوینی هستند که با توجه به اصل گوناگونی راه‌های رسیدن به کمال در میان انسان‌ها، این تفاوت‌های تکوینی نه منشأ نابرابری و تبعیض، بلکه نشان از حکمت و تدبیر خداوند است تا شرایطی ایجاد شود که زن و مرد هم در مسیر کمال، متناسب با شرایط و ویژگی‌های خاص خود طی طریق کنند و برای یکدیگر نقش مکمل را ایفا کنند (Motahari, 2006: 181). آنچه از مجموع آیات و روایات به دست می‌آید آن است که زن و مرد نه تنها در بعد جسمی، بلکه در ابعاد احساسی، روحی، ذهنی و رفتاری نیز از هم متمایزند (Zokhrof: 32).

### ۲-۱-۳. مبانی دین‌شناختی

دامنه حیات و گستره تأثیر افعال بشری به زمان حال محدود نمی‌شود، بلکه به دلیل ارتباط و تأثیر حوادث به یکدیگر، رفتار ما در پهنه جهان و در درازای تاریخ تأثیر دارد؛ بنابراین بدیهی است که شناخت امور از عهده بشری که دانشی محدود در اختیار دارد و از آینده خود و جهان آگاهی ندارد، بیرون است (Motahari, 2004: 35). در قرآن کریم آیات بسیاری به چشم می‌خورد که مبین این حقیقت هستند که خالق هستی خود متصدی هدایت بشر است و این هدایت محدود قانون‌گذاری را نیز در برمی‌گیرد (Ahzab: 36).

در دین و فرهنگ اسلامی به دلیل وجود نگاهی نظام‌مند و جامع به بشر، همه ابعاد شخصیتی بشر در کنار یکدیگر مورد ارزیابی قرار می‌گیرند. از آنجا که هدف از خلقت انسان فقط رسیدن به قرب الهی است و این هدف صرفاً با به‌کارگیری استعدادها و امکان‌های فردی و خانوادگی در راستای احکام و آموزه‌های دینی میسر می‌شود، ملاک ارزش و احترام نسبت به افراد، صرفاً داشتن استعداد یا برخوردار



از حقوق بیشتر نیست، بلکه کسب رضایت خدا با رعایت تقوا و عمل به تکالیفی حاصل می‌شود که به واسطه برخورداری از استعدادها و حقوق بر افراد واجب شده است. در آیات قرآن نیز ملاک ارزش و احترام افراد رعایت تقوای الهی ذکر شده است (Hojrat: 13).

#### ۲-۱-۴. مبانی ارزش‌شناختی

در آموزه‌های اسلامی، اختلاط زن و مرد بسیار مورد مذمت و نکوهش واقع شده و تعامل مرد و زن نامحرم به‌جز در مواقع ضرورت، به‌شدت بر حذر داشته شده است. دین اسلام از آنجا که به‌دنبال جلوگیری از فساد و انحطاط اخلاقی جامعه است و ارتباط مرد و زن نامحرم را کاملاً مستعد گناه و عامل اصلی فساد اخلاقی می‌داند، تأکید فراوان دارد که مرد و زن نامحرم تا جایی که برایشان امکان دارد، از اختلاط و تعامل با یکدیگر بپرهیزند (Masumi, 2011: 98).

از دیگر اصول و ارزش‌هایی که دیدگاه اسلام بر آن به‌شدت پافشاری کرده، حرمت و شأن زن مؤمن و مسلمان علی‌الخصوص در برابر مردان نامحرم است. اسلام دو جنس زن و مرد را در گوهر انسانی و شرافت، یکی می‌داند و از این لحاظ تفاوتی بین ایشان قائل نیست. قرآن تمام انسان‌ها را بدون در نظر گرفتن جنسیت و نژاد و... دارای کرامت می‌داند (Asra:70). اما در این میان، اکرام و احترام نسبت به زن جایگاه خاص و ممتازی دارد. دین اسلام برای زنان مسلمان و مؤمن در برابر مردان نامحرم عزت و احترامی بسیار قائل است و از آموزه‌های دینی بسیار می‌توان سراغ گرفت که مردان را به حفظ حرمت زنان مسلمان و رعایت شأن و عزت آنان و مراقبت بر رفتار و گفتار خود در برابر آنان توصیه می‌کند (Hendi, 1992: 371 & Paydar, 1995: 152).

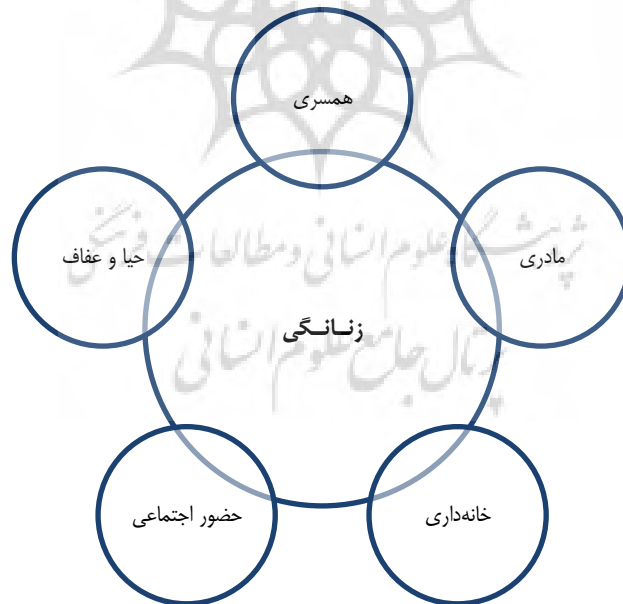
از اصول دیگری که در آموزه‌های اسلامی می‌توان برداشت کرد که شارع مقدس بر آن بسیار تأکید داشته این است که خانواده در جامعه اسلامی مبتنی بر محور زن است. محوریت‌داشتن زن در درون خانه به معنای سلب و نفی ساختار قدرت و سلسله‌مراتب اقتدار در خانه که دلالت بر سرپرستی و قوامیت مردان دارد نیست، بلکه به این معنا است که خانه به‌وسیله زنان مدیریت و ارزش‌ها و کارکردهای اصلی خانواده توسط زنان اجرا می‌شود. در دین اسلام برداشت کلی از مجموع روایات و سیره اهل بیت (ع) این است که امور داخل خانه و روشن نگه‌داشتن چراغ خانواده برعهده زن خانه است و هیچ امری برای زنان ارزشمندتر و مهم‌تر از حفظ و نگهداری نهاد خانواده شمرده نشده است (Horreameli, 1995: 129).

از دیگر ارزش‌هایی که دین اسلام در دیدگاه اجتماعی و به‌خصوص در ارتباط با نقش زن در خانواده و اجتماع مورد توجه و تأکید فراوان قرار گرفته، نقش تربیتی زن با تکیه بر اختصاصات و ویژگی‌های جسمی و بعد روحی و عاطفی وی چه در درون خانه و در نسبت با فرزند و همسر و چه در

محیط اجتماع است. بعد جسمانی و قابلیت‌های بدن زن در وابستگی کودک به وی برای ادامه حیات و بعد عاطفی و احساسی او برای ارضای نیاز روحی و معنوی فرزند و شوهر، از اختصاصات ویژه زنان برای مربی‌بودن آنان است. به عبارت دیگر زنان با توجه به استعدادها و ویژگی‌های طبیعی خود در زمینه احساسات قوی و هوش عاطفی خود مناسب‌ترین گزینه برای پرداختن به امور تربیتی و انسان‌ساز هستند. امام خمینی (ره) در ارتباط با نقش تربیتی زن تعبیر بسیار زیبا و درخور توجهی دارد. ایشان زن را مبدأ سعادت و خیر جامعه می‌داند و می‌فرماید: «زن، انسانی بزرگ و مربی جامعه است. او است که با تربیت صحیح خود، انسان درست می‌کند و کشور را آباد می‌نماید» (Khomeini, 1990: 187) و نیز می‌فرماید: «زن یکتا موجودی است که می‌تواند از دامن خود افرادی به جامعه تحویل دهد که از برکتش یک جامعه، بلکه جامعه‌ها به ارزش‌های والای انسانی کشیده شوند» (Ibid: 125).

## ۲-۲. ساختار هویت جنسیتی زنانه

براساس میانی فوق، ساختار هویت جنسیتی زنانه که با ارزش‌ها، مؤلفه‌ها و انتظارات نقشی خاصی هم‌مشین است، در نمودار ۱ طراحی شده است. مهم‌ترین آن‌ها عبارت‌اند از: حیا و عفت (Koleini, 1986: 338)، نقش‌های همسری (Ibid: 507)، مادری (Nuritabarci, 1980: 180)، خانه‌داری (Horreameli, 1995: 15) و حضور مؤثر اجتماعی (Koleini, 1986: 377):



نمودار ۱. ساختار هویت جنسیتی زنانه در اسلام

### ۳. روش‌شناسی پژوهش

به‌لحاظ روش‌شناختی، مقاله حاضر از روش تحلیل اسنادی بهره گرفته است. در پژوهش اسنادی، اسناد و مدارک موجود و مرتبط با موضوع پژوهش به‌منظور پاسخگویی به سؤالات پژوهش بررسی می‌شوند (Bailey, 1994). مراحل انجام این تحقیق به قرار زیر است: الف) جمع‌آوری منابع و مراجع مربوط به موضوع، ب) مطالعه منابع و یادداشت‌برداری از آن‌ها در راستای مفاهیم کلیدی تحقیق، پ) طبقه‌بندی و تحلیل داده‌های حاصل برای پاسخگویی به مسئله پژوهش.

### ۴. یافته‌های پژوهش

هویت<sup>۱</sup> پاسخ انسان به پرسش از کیستی یا چیستی خود است که به‌تدریج از کودکی تا سنین بالای رشد ادامه می‌یابد. مفهوم هویت بر معانی تشکیل‌دهنده «خود» به‌مثابه یک سوژه تمرکز دارد و به خودشناسی ساختار و محتوا می‌بخشد و «خود» را با نظام‌های اجتماعی پیوند می‌دهد. منظور از هویت، احساس تعلق به مجموعه‌ای مادی و معنوی است که عناصر آن از قبل شکل گرفته‌اند (Sharafi, 2009: 45).

هویت جنسیتی<sup>۲</sup> تصویر و احساسی است که زن یا مرد از «زن بودن» یا «مرد بودن» خود و نیز انتظاراتی است که از خود به‌عنوان یک جنس متمایز و متفاوت با جنس دیگر دارد. به تعبیر ساده‌تر، هویت جنسیتی به احساس مردانگی و زنانگی هر فرد از خود اطلاق می‌شود. نزد اصحاب علوم اجتماعی و روان‌شناسی، هویت جنسیتی به شناخت فرد از خویشتن به‌مثابه مرد یا زن تعبیر شده (Rabertson, 1993: 31; Tavakoli, 2003: 70) و هویت زنانه احساس و تصویری است که شخص از زنانگی خود دارد و شامل نظام ارزشی، مؤلفه‌ها و انتظاراتی است که به‌عنوان یک زن برای خود تعریف می‌کند (Bostan, 2004: 40).

### ۵. بحث

#### ۵-۱. همسری در سیره حضرت زهرا (س)

یکی از ابعاد هویت زنانه حضرت زهرا (س) همسری است. ایشان به تبعیت از کلام پدر که جهاد زن را در شوهرداری می‌دانست (Harrani, 1983: 60)، اهتمام ویژه‌ای به ایفای این نقش در طول زندگی ۹ ساله با حضرت علی (ع) داشت؛ به‌طوری‌که علی (ع) در توصیف کیفیت حضور ایشان در مقام همسر در خانه او می‌فرماید: «هرگاه به فاطمه می‌نگریستم، همه رنج‌ها و ناراحتی‌هایم را فراموش می‌کردم»

1. identity

2. gender identity

(Erbali, 1986: 373). نقش همسری حضرت زهرا (س) را می‌توان در ابعاد و مؤلفه‌های زیر بازخوانی کرد:

اولین و مهم‌ترین مصداق همسری شایسته، اطاعت و فرمان برداری از شوهر است که این امر در سیره و زندگی حضرت زهرا (س) به بهترین وجه تحقق یافته بود. یکی از نمونه‌های اطاعت‌پذیری ایشان از همسر خویش که در تاریخ نقل شده است به ماجرای عیادت خلفای اول و دوم از ایشان در ایام بستری‌بودن مربوط می‌شود که حضرت علی (ع) از حضرت زهرا (س) سؤال کردند، آیا آن‌ها را به حضور می‌پذیری؟ و حضرت زهرا (س) در پاسخ فرمودند: «خانه خانهٔ توست و من همسر تو هستم. هر آنچه می‌خواهی انجام بده» (Majlesi, 1986, Vol. 43: 198). این سخن در آن شرایط سخت روحی و جسمی ایشان، نشان از اوج ولایت‌پذیری و اطاعت از همسر در سیرهٔ حضرت زهرا (س) دارد. حضرت زهرا (س) در همراهی و کمک‌کردن به همسرش حضرت علی (ع) از هیچ تلاشی دریغ نمی‌کرد و ایشان را در راه رسیدن به اهداف مشترک زندگی و مسائل مختلف یاری می‌رساند. نقل است که روزی پیامبر (ص) از علی (ع) پرسید: «زهرا (س) را چگونه همسری یافتی؟ علی (ع) در پاسخ عرض کرد: او را در راستای اطاعت خدا یآوری نیکو یافتیم» (Majlesi, 1986, Vol. 43: 118). ایشان همچنین در مدارا و سازش با مقدرات شوهر کاملاً بر طبق توصیهٔ پدرش عمل کرد که فرمود: «هر زنی با شوهر خود مدارا نکند و او را به چیزی بکشاند که قدرت و توان آن را ندارد، هیچ کار نیکی از او قبول نخواهد شد و در حالی خدا را ملاقات خواهد کرد که خدا بر او خشمناک است» (Majlesi, 1986, Vol. 100: 248). کم‌توقعی حضرت زهرا (س) از همسرش علی (ع) در حدی بود که در طول نه سال زندگی مشترک، حتی برای یک بار، تقاضای مادی از علی (ع) نکرد. روزی به خانهٔ حضرت زهرا (س) غذا نرسید. حضرت زهرا (س) اندوختهٔ غذایی خود را به کودکان گرسنه‌اش داده بود و خود شب را گرسنه‌تر از آن‌ها به سر برد. علی (ع) بامداد آن شب، از حضرت زهرا (س) تقاضای غذا کرد. حضرت زهرا (س) ماجرا را به عرض علی (ع) رسانید. علی (ع) فرمود: «در چنین وضعی چرا به من نگفتی تا به جست‌وجوی غذا بپردازم؟» فاطمه (س) در پاسخ گفت: «من از خدایم شرم کردم که موجب شوم تا شما خود را در فشار قرار دهی و بر چیزی که مقدرت نیست، خود را به زحمت افکنی» (Erbali, 1986, Vol. 2: 37).

فاطمه (س) با الهام از دستورهای الهی و با داشتن درک صحیح از روابط زن و شوهر، همواره به همسر بزرگوارش احترام و عشق می‌ورزید و به او محبت می‌کرد و در کلام خود علاقه و احترام را هم‌زمان در نظر داشت. در میان جمع او را با کنیهٔ ابوالحسن صدا می‌کرد (Majlesi, 1986, Vol. 43: 58) و گاه او را یا بن عم رسول الله (ص) خطاب می‌کرد (Ibid: 240). محبت فاطمه (س) نسبت به

همسرش به اندازه‌ای بود که روایت شده در لحظات احتضار می‌گریست و به علی (ع) می‌فرمود: «به‌خاطر آنچه [از مشکلات و سختی‌ها] که پس از من به تو خواهد رسید می‌گیریم» (Majlesi, 1986, Vol. 43: 218).

یکی دیگر از مصادیق تاریخی مبنی بر همسری شایسته حضرت زهرا (س) سازگاری با همسر و راضی نگه‌داشتن او از خود است. حضرت زهرا (س) طوری در خانه حضرت علی (ع) زندگی کرد که ذره‌ای غم و اندوه و عصبانیت ناشی از عدم سازش به این زندگی راه پیدا نکرد. چنان‌که حضرت علی (ع) در این زمینه تصریح فرمود: «به خدا سوگند، زهرا تا آن زمان که خدا او را به‌سوی خود برد، مرا ناراحت نساخت و عملی انجام نداد که مرا ناخشنود کند» (Erbali, 1986, Vol. 1: 492).

ایشان همواره سعی می‌کرد که در محیط خانه و نزد شوهر خویش آراسته باشد (Saduq, 1992: 552). قرآینی در زندگی حضرت زهرا (س) وجود دارد که نشان می‌دهد حضرت سعی می‌کرد در محیط خانه و خانواده، عطرآگین و آراسته باشد (Alviri, 2011: 29). ایشان همیشه در نزد خود عطر نگه می‌داشت. از ام‌سلمه چنین رسیده است: «از ریحانه پیامبر (ص) عطر خواستم و گفتم: سرورم! آیا عطر و بوی خوشی نزد خویش دارید؟ ایشان فرمود: آری و بی‌درنگ شیشه عطری آورد و اندکی از آن را بر کف دستم ریخت. بوی خوشی از آن برخاست که هرگز به مشامم نرسیده بود» (Majlesi, 1986, Vol. 43: 98). نقل شده که حضرت فاطمه (س) حتی در واپسین لحظات زندگی به اسما فرمود: «عطر مرا که همیشه خود را با آن معطر می‌نمودم، بیاور» (Erbali, 1986, Vol. 2: 62).

## ۵-۲. مادری در سیره حضرت زهرا (س)

یکی دیگر از ابعاد هویت جنسیتی زنانه حضرت فاطمه (س) انجام نقش مادری در خانواده به بهترین نحو ممکن بود. سیره و رفتار ایشان با فرزندان خود سرمشقی مناسب برای تربیت صحیح فرزندان است؛ زیرا حاصل مادری کردن ایشان فرزندان‌اند که هریک الگوهایی ماندگار در تاریخ بشری هستند. حضرت زهرا (س) در عشق‌ورزی و محبت به کودکان می‌توانند بهترین اسوه برای زنان باشند. حضرت در روابط کلامی و محبت‌آمیز خود با فرزندان با خطاب مهربانانه، آنان را یا قره عینی (نور چشمم) و ثمره فؤادی (میوه دل) صدا می‌کرد (Majlesi, 1986, Vol. 32: 126). فرزندان را از کودکی به عبادت خدای تعالی وامی‌داشت و آنان را به انجام مناسک دینی تشویق می‌کرد (Maqrebi, 1963, Vol. 1: 282). از همان آغاز آموختن علم به آنان را در دستور کار قرار داد و آن‌ها را برای کسب معارف و فراگیری آماده می‌کرد؛ چنان‌که روایت شده که ایشان به فرزندش حسن (ع) که هفت‌ساله بود می‌فرمود: «به مسجد برو، آنچه را از پیامبر شنیدی فراگیر و نزد من بیا و برای من بازگو کن» (Qomi, 2005, Vol. 1: 245).

رسیدگی به امور فرزندان از جمله نیازهای جسمی و عاطفی آنان، یکی دیگر از مؤلفه‌های مادری در سیره حضرت زهرا (س) بوده است. حضرت زهرا (س) در پرورش جسم فرزندان خویش و سلامت و بهداشت و تغذیه آنان از هیچ کوششی دریغ نمی‌ورزید. ایشان با وجود سختی‌های فراوان در انجام دادن کارهای خانه، خود فرزندانش را شیر می‌داد (Tabarci, 1987: 117). در بسیاری مواقع غذا نمی‌خورد و گرسنه می‌ماند تا فرزندانش غذا بخورند (Majlesi, 1986, Vol. 43: 58). همچنین می‌کوشید مهر مادری را از فرزندان خود دریغ نکند و به‌رغم سختی‌ها، امور آنان را به دیگری واگذار نکند. از سلمان فارسی چنین رسیده است: روزی حضرت فاطمه (س) را دیدم که مشغول آسیاب کردن غله است. فرزندش حسین (ع) به گریه افتاد و بی‌تابی می‌کرد. عرض کردم: برای کمک به شما، غله را آسیاب کنم یا بچه را آرام کنم؟ حضرت فرمود: من به آرام کردن فرزند اولی هستم. شما آسیاب را بچرخانید (Qotberavandi, 1988, Vol. 2: 530).

بنا بر برخی روایات، حضرت زهرا (س) از روش بازی کردن با کودک بسیار بهره می‌برد. گاه آموزش را با شعرخواندن و سرودن اشعار کودکانه، با قافیه‌های کوتاه و جذاب و وزن‌های شاد و فرح‌بخش ترکیب می‌کرد و عالی‌ترین مفاهیم سیاسی، اجتماعی، اعتقادی و اخلاقی را برای فرزندان بیان می‌کرد (Ebn.Shahrashub, 1997, Vol. 3: 159) که در واقع برای همه مردم جنبه تعلیمی دارد. در برخی گزارش‌های تاریخی آمده است که فاطمه (س) هنگام بازی دادن فرزندش حسن (ع) این اشعار را می‌خواند: «تو ای حسن به پدرت شبیه شو و حق را آزاد کن و خدای منان را عبادت کن و با کینه‌توز دوستی مکن» (Majlesi, 1986, Vol. 63: 286).

### ۵-۳. خانه‌داری در سیره حضرت زهرا (س)

از دیگر مؤلفه‌های هویت جنسیتی زنانه حضرت فاطمه (س) خانه‌داری آن حضرت و انجام امور خانه است. حضرت زهرا (س) با وجود آنکه شأن و جایگاه بسیار بالایی در جامعه عصر خود داشت و دختر رسول اکرم (ص) بود، در خانه همسر خویش از هیچ تلاش و زحمتی برای سامان دادن به خانه و زندگی همسر دریغ نمی‌کرد. ایشان سخت‌ترین و پرمشقت‌ترین کارها را در خانه برای رضای خدا انجام می‌داد و به بهانه‌های واهی از انجام کارهای خانه شانه خالی نمی‌کرد. روایت شده که روزی امیرالمؤمنین علی (ع) به یکی از اصحاب خود فرمود: «می‌خواهی جریانی از زندگانی خودم با فاطمه را برایت تعریف کنم؟ فاطمه آنقدر در خانه من با مشک آب حمل کرد که اثر آن در سینه‌اش پدیدار شد. آنقدر به وسیله آسیای دستی گندم آرد کرد که دستش تاول زد. آنقدر خانه را جارو کرد که بر لباس او گردوخاک نشست. آنقدر آتش زیر دیگ روشن کرد که لباسش دوده‌ای و سیاه شد. او زیاد

کار کرد و بسیار هم آسیب دید» (Feiz, 1996, Vol. 4: 208). روزی نبی اکرم (ص) فاطمه (س) را دید که عبایی از پوست شتر به سر دارد، با دست‌های خود آرد درست می‌کند و در همان حال به فرزند خود شیر می‌دهد. پیامبر (ص) به حالش گریست و فرمود: «زود باشد که تلخی دنیا را با شیرینی آخرت عوض کنی» (Tabarci, 1987: 127).

حضرت زهرا (س) نه تنها این همه زحمت و مشقت در خانه و کارهای جاری منزل را با کراهت و اجبار انجام نداد، بلکه به واسطه قرار گرفتن در این جایگاه و مکلف شدن به انجام فعالیت‌های خانگی بسیار خرسند و شاد بوده است. در روایتی نقل شده است که حضرت علی (ع) و حضرت فاطمه (س) در خصوص کار منزل با رسول خدا (ص) مشورت کردند. آن حضرت نیز پیشنهاد دادند که کارها و فعالیت‌های درون خانه برعهده فاطمه (س) باشد و آن دسته از کارهای خانه که مستلزم خروج از خانه است، به علی (ع) واگذار شود. این پیشنهاد با استقبال و شادمانی فاطمه (س) مواجه شد (Majlesi, 1986, Vol. 43: 81).

خانه‌داری در سیره حضرت زهرا (س) مبتنی بر چند اصل بود. اولین اصلی که در سیره حضرت زهرا (س) در خانه وجود دارد این است که ایشان زندگی خود و خانواده را با حداقل امکانات و لوازم زندگی شروع کرد و سامان بخشید. ایشان برخلاف رویه برخی از زنان امروزی که برای شروع زندگی خود انواع و اقسام وسایل و امکانات غیرضروری را مطالبه می‌کنند و برای این امر نیز شأن و جایگاه خانوادگی و اجتماعی خود را بهانه و توجیه قرار می‌دهند، با وجود شأن و احترامی که نزد مردم جامعه داشتند، زندگی خویش را با خانه‌ای استیجاری و محقر و امکانات معیشتی بسیار حداقلی و ضروری آغاز کرد. بنا بر گزارش‌های تاریخی، حضرت فاطمه (س) و حضرت علی (ع) در زندگی مشترکشان کمترین امکانات و وسایل را داشتند که از سطح معمول زندگی در جزیره العرب آن زمان نیز نازل‌تر بود (Tusi, 1993: 42). حضرت فاطمه (س) در ابتدا در خانه‌ای استیجاری در یکی از محله‌های مدینه زندگی می‌کرد که فاصله زیادی تا مسجد مدینه داشت، ولی بعداً به نزدیکی خانه پدر نقل مکان کردند. امکانات خانه آن حضرت در آغاز زندگی مشترک، چند وسیله ساده و کم‌قیمت مانند ظروف گلین، بالش‌هایی پر شده از لیف خرما و پوست گوسفندی به‌عنوان زیرانداز بود (Ibid: 40).

اصل دیگری که در سیره خانه‌داری حضرت زهرا (س) وجود دارد، این است که ایشان به‌عنوان زن خانه به تدبیر اقتصاد خانواده و کنترل مصرف و هزینه‌های خانه می‌پرداخت. اقتصاد منزل بر دو رکن تولید ثروت و چگونگی مصرف استوار است؛ بنابراین خانواده‌ای موفق است که میزان مصرفش با میزان درآمد و امکانات آن همخوانی داشته باشد. در نگاه اسلام، رکن اول یعنی تولید ثروت و تأمین اقتصادی خانواده برعهده سرپرست خانواده (شوهر) است و هیچ مسئولیتی در این زمینه

برعهده زن نیست، اما زنان در رکن دوم یعنی نحوه مصرف و اداره و تدبیر اقتصادی خانواده نقش اساسی و مؤثر دارند. حضرت زهرا (س) نیز در زمینه کنترل مصرف و تدبیر اقتصادی خانواده نقش بسیار مؤثری داشت. ایشان با درپیش گرفتن رویه و شیوه زیست ساده و بدون تجمل و پرهیز از استفاده از لوازم غیرضروری در جهیزیه خود به خوبی این کار را صورت می داد. ساده زیستی و قناعت پیشگی حضرت زهرا (س) که به فرزندان ایشان نیز منتقل شده بود، مهم ترین روش برای تدبیر اقتصاد خانواده بود (Sheikholeslami, 2008: 209). بنا بر گزارش های تاریخی، حضرت زهرا (س) جهیزیه بسیار ساده و بی آلاچی داشت و از تهیه لوازم غیرضروری و تجملاتی پرهیز کرده بود. صورت جهیزیه ایشان عبارت بود از: یک عدد روسری بزرگ، یک قواره پیراهن، یک تخت که با چوب و برگ خرما تهیه شده بود، چهار عدد بالش از پوست گوسفند که از گیاه خوشبوی «اذخر» پر شده بود، یک پرده پشمی، یک قطعه حصیر، یک عدد دستاس (آسیاب کوچک دستی)، یک عدد مشک چرمی، یک عدد طشت مسی، یک عدد ظرف بزرگ برای دوشیدن شیر و یک سبوی گلی (Majlesi, 1986, Vol. 43: 84) و روایت است که پیامبر اکرم (ص)، درحالی که اثاث خانه دختر خود را زیوررو می کرد، فرمود: «خدا یا، زندگی را بر گروهی که بیشتر ظروف آن ها را سفال تشکیل می دهد مبارک گردان (Ibid: 94).

#### ۴-۵. حیا و عفاف در سیره حضرت زهرا (س)

عفاف و حیا و پوشش از نامحرم یکی دیگر از مؤلفه های مهم هویت جنسیتی زنانه نزد حضرت زهرا (س) است که می تواند به مثابه الگوی رفتاری زنان طرح و تبیین شود. در روایتی نقل شده است که روزی پیامبر (ص) قصد ورود به خانه دخترش فاطمه (س) را داشت. نخست بر در خانه آمد و دست به روی در گذاشت و در را کمی عقب زد، سپس فرمود: السلام علیکم. فاطمه (س) پاسخ سلام پدر را داد، بعد پیامبر (ص) فرمود: اجازه دارم وارد شوم؟ عرض کرد: وارد شو ای رسول خدا! پیامبر (ص) فرمود: کسی که همراه من است نیز اجازه دارد وارد شود؟ فاطمه عرض کرد: مقنعه بر سر من نیست و هنگامی که خود را به حجاب اسلامی محجب ساخت، پیامبر (ص) مجدداً سلام کرد و فاطمه (س) جواب داد و مجدداً اجازه ورود برای خودش گرفت و بعد از پاسخ موافق فاطمه (س) اجازه ورود برای همراهش جابر بن عبدالله گرفت (Ebn.Shahrashub, 1997, Vol. 3: 117). حضرت زهرا (س) چنان حیا و عفاف را به عنوان فضیلت سرلوحه رفتار خویش قرار داده بود که در روایتی نقل است که مردی نابینا پس از اجازه گرفتن، وارد منزل علی (ع) شد. پیامبر (ص) مشاهده کرد که حضرت زهرا (س) برخاست، فرمود: «دخترم! این مرد نابیناست.» فاطمه (س) فرمود: «پدر جان اگر او مرا



نمی‌بیند، من او را می‌نگرم! اگر چه او نمی‌بیند، اما بو را استشمام می‌کند» (Majlesi, 1986, Vol. 43: 94).

حضرت فاطمه (س) به قدری به پوشش و حجاب خویش در مقابل نامحرم اهمیت می‌داد که حتی در واپسین روزهای حیات خویش از اینکه پس از وفات، حجم بدن ایشان را نامحرم ببیند، نگران بود. از اسماء بنت عمیس نقل شده است: روزی فاطمه (س) به من فرمود: من از کار مردم مدینه که زنان خود را بعد از وفات به صورت ناخوشایندی برای دفن می‌برند و تنها پارچه‌ای بر او می‌افکنند که حجم بدن از پشت آن نمایان است ناخرسندم. اسماء گفت: من در سرزمین حبشه چیزی دیده‌ام که با آن جنازه مردگان را حمل می‌کردند. سپس شاخه‌هایی از درخت نخل را برداشت و به صورت تابوت مخصوصی درآورد که پارچه‌ای را روی چوب‌های آن می‌افکنند، و بدن را درون آن می‌گذارند؛ به گونه‌ای که بدن پیدا نبود. هنگامی که حضرت آن را مشاهده کرد، تبسم کرد و به اسماء فرمود خدا تو را از آتش جهنم حفظ کند (Erbali, 1986, Vol. 2: 67).

البته حجاب حضرت زهرا (س) مانع از حضور اجتماعی ایشان و دفاع از حریم اسلام و ولایت نشد و ایشان در مواقع حساس و ضروری، در اجتماع حضور می‌یافت و در مسائل سیاسی و اجتماعی شرکت می‌کرد. در عین حال هرگز از پرده عفاف و حجاب بیرون نمی‌رفت. در این رابطه نقل می‌کنند که هنگامی که برای حضرت ثابت شد فدک غصب شده، با لباس‌های بلندی که تمام بدن ایشان را پوشانده بود، وارد مسجد شد و در جایگاهی قرار گرفت که پرده‌ای بین زنان و مردان حائل بود و مردان، حضرت را نمی‌دیدند و سپس به ایراد خطبه پرداخت (Ibid: 69).

#### ۵-۵. حضور مؤثر اجتماعی در سیره حضرت زهرا (س)

حضور مؤثر اجتماعی، یکی دیگر از عناصر هویتی زن مسلمان است. اسلام برای زنان سهم مهمی در ولایت اجتماعی قائل است و جامعه اسلامی برای تعالی و نیل به اهداف خود ناگزیر از کاربست این ظرفیت مهم زنانه است. نگاه اسلام به زنان با رویکرد سنتی نسبت به زن که صرفاً قائل به خانه‌نشینی زنان است، کاملاً متفاوت و مغایر است؛ بنابراین یکی دیگر از مؤلفه‌ها و ابعاد سیره و شخصیت حضرت زهرا (س) حضور فعال و مشارکت ایشان در مناسبات اجتماعی، فرهنگی و سیاسی عصر خویش است. حضرت زهرا (س) با بیان احکام و معارف اسلام، زنان را به وظایفشان آشنا می‌ساخت و نه تنها از فراگرفتن دانش خسته نمی‌شد، بلکه در یاددادن مسائل دین به دیگران از حوصله و پشتکار فراوانی برخوردار بود. در روایات است که روزی زنی نزد فاطمه (س) آمد و گفت: مادر پیری دارم که در مورد نماز خود اشتباهی کرده و مرا فرستاده تا از شما سوآلی بپرسم. زهرا (س) سوآل او را پاسخ فرمود. زن برای بار دوم و سوم آمد و مسئله پرسید و پاسخ شنید. این کار تا ده بار

تکرار شد و هر بار آن بانوی بزرگوار، سؤال وی را پاسخ فرمود. زن از رفت و آمدهای پی‌درپی شرمگین شد و گفت: دیگر شما را به زحمت نمی‌اندازم. فاطمه (س) فرمود: باز هم بیا و سؤالات را بپرس. تو هر قدر سؤال کنی من ناراحت نمی‌شوم؛ زیرا از پدرم رسول خدا (ص) شنیدم که فرمود: روز قیامت علمای پیرو ما محشور می‌شوند و به آنها به اندازه دانششان خلعت‌های گران‌بها عطا می‌شود و اندازه پاداش به نسبت میزان تلاشی است که برای هدایت بندگان خدا کرده‌اند (Majlesi, 1986, Vol. 2: 4).

حضرت فاطمه (س) از کودکی در بسیاری از حوادث و مخاطرات صدر اسلام حضور داشت و شاهد فشارهای سیاسی و اجتماعی قریش بر پیامبر (ص) و مسلمانان در مکه و تلاش‌های پیامبر (ص) برای مقابله با این فشارها بود. پس از رحلت ابوطالب، کفار قریش بر آزدن پیامبر (ص) افزودند. با شدت گرفتن این فشارها و هجرت پیامبر (ص) به مدینه، حضرت فاطمه (س) نیز با چند تن از زنان به کمک حضرت علی (ع) به مدینه مهاجرت کرد و در جریان نوپای اسلامی و مسیر ساختن جامعه آرمانی گام‌به‌گام با پیامبر (ص) همراهی کرد.

اساسی‌ترین نقش‌آفرینی حضرت فاطمه (س) در عرصه سیاست، اجتماع و فرهنگ جامعه اسلامی در دوران کوتاه حیات ایشان پس از رحلت پیامبر (ص) بود. عملکرد سیاسی حضرت زهرا (س) در دفاع از حریم ولایت، پس از رحلت پیامبر اکرم (ص) تا زمان شهادت ایشان، از نقاط عطف تاریخ اسلام است. آن زمان از پرمخاطره‌ترین دوران زندگی ایشان و از جمله سرنوشت‌سازترین مقاطع تاریخ اسلام بود. پیامبر (ص) در نخستین فرصت پس از هجرت و برای اجرای همه‌جانبه احکام و قوانین اسلام حکومت اسلامی تشکیل داد و چون این مهم را منحصر به زمان خود نمی‌دانست، جانشین خود را نیز معرفی کرد. اما پس از رحلت ایشان و به‌رغم سفارش‌های مکررشان به جانشینی امام علی (ع) دیگران به قدرت سیاسی رسیدند و مردم حمایت مؤثر خویش را از امام علی (ع) دریغ کردند. این مسئله و عوامل دیگر موجب شد امیرمؤمنان (ع) از درگیری آشکار با دستگاه حکومت صرف‌نظر کند، اما اساسی‌ترین واکنش را حضرت فاطمه (س) نشان داد. ایشان به‌عنوان یادگار پیامبر (ص) و کسی که بنا بر روایات فریقین، خشم و رضایتش، معادل خشم و رضای خدا و پیامبر (ص) بود (Majlesi, 1986, Vol. 43: 54; Firuzabadi, 1971, Vol. 3: 151) با اعلام موضع صریح خود در واقع موضع پیامبر (ص) و خدا را در مخالفت با حاکمیت جدید سیاسی و اندیشه‌ها و اقدامات آن نشان داد و با مخاطبانش اتمام حجت کرد. ایشان حتی در یک احوالپرسی ساده، مسائل سیاسی را مطرح می‌کرد؛ برای مثال یک روز از روزهای آخر عمر حضرت زهرا (س)، امّ سلمه (یکی از همسران پیامبر) برای احوالپرسی به بالین ایشان آمد و عرض کرد: «حالت چطور

است؟!» حضرت زهرا (س) در پاسخ فرمود: «صبح کردم درحالی که در میان حزن شدید و اندوه بزرگ هستم. از یک سو جدایی و فراق پیامبر (ص) و از سوی دیگر ظلمی که به وصی او علی (ع) روا داشتند، به طوری که حریم حرمتش دریده شد و بهرغم قرآن و سنت پیامبر (ص) مقام امامتش روبرو شد و کینه‌های به‌جامانده از جنگ بدر و احد را آشکار ساختند، بندهای ایمانشان برید و در نتیجه به‌جای یاری علی (ع) به‌سوی دیگران رفتند» (Majlesi, 1986, Vol. 43: 154).

آن حضرت (س) برای تبیین جایگاه حاکمیت در اسلام، الهی‌بودن منصب امامت و اثبات شایسته‌نبودن مدعیان حکومت اقدامات مهمی کرد. یکی از این اقدامات روشنگری عمومی در میان مردم بود. حضرت فاطمه (س) برای مقابله با حرکت شتاب‌زده برخی صحابه در جریان سقیفه برای به‌دست‌گرفتن خلافت، شبانه به همراه همسر و فرزندان برای جلب حمایت مهاجر و انصار به خانه آنان می‌رفت که پاسخ مؤثری در پی نداشت. پس از آنکه دستگاه خلافت فدک را مصادره کرد، برای رویارویی جدی آن حضرت (س) با نظام حاکم، زمینه مناسب فراهم آمد و غضب فدک بهانه‌ای برای به‌چالش کشیدن غاصبان ولایت شد. به‌تصریح منابع تاریخی به‌ویژه منابع اهل سنت، فدک در زمان حیات پیامبر (ص) و براساس دستور الهی به اعطای حقوق نزدیکان (ذی‌القربی) به فاطمه (س) واگذار و ملک مسلم او شد، ولی دستگاه خلافت به بهانه نفی ارث‌گذاری انبیا آن را مصادره کرد و با وجود دلایل منطقی و روشن آن حضرت از بازگرداندن آن خودداری ورزید (Koleini, 1986: 543). حضرت فاطمه (س) نیز اعتراض کرد و در مسجد به ایراد خطبه و روشنگری سیاسی پرداخت و تا پایان عمر کوتاه و شریفش با خلیفه سازش نکرد (Tabarzi, 1987, Vol. 1: 127).

حضرت زهرا (س) حتی با وصیت خود پس از شهادت نیز یک کنش سیاسی بسیار هوشمندانه انجام داد. ایشان وصیت کرد که احدی از کسانی که به او ستم کرده‌اند در تشییع جنازه‌اش حاضر نشوند و شبانه او را دفن کنند (Majlesi, 1986, Vol. 43: 209). در حقیقت با این وصیت‌نامه، حربه‌ای سیاسی از دست حاکمان وقت گرفته شد. آنان می‌خواستند در مرگ آن حضرت با مرثیه‌سرایی و اشک و ماتم و ارادت به آن حضرت و تأسف از رحلت او، مخالفت‌ها و مبارزات حضرت زهرا (س) را در دفاع از حریم ولایت تحت‌الشعاع قرار دهند و خلافت غاصبان خود را در اذهان جامعه برحق جلوه کنند، اما دفن شبانه آن حضرت و نامشخص‌بودن مکان دفن ایشان، این سؤال را در میان امت اسلامی ایجاد کرد که چرا دخت گرامی پیامبر و یگانه گوهر گران‌قدر او چنین وصیتی کرده است. با عمل به وصیت آن حضرت توسط حضرت علی (ع) اذهان جامعه دچار تردید شد و تا حد زیادی مشروعیت خلیفه وقت زیر سؤال رفت و مظلومیت آن حضرت بیشتر نمایان شد (Javedan, 2014: 83; Jafarian, 2008: 26).

### ۶. نتیجه گیری

سیره حضرت زهرا (س) به مثابه یک الگوی فراتاریخی برای زنان مسلمان، ظرفیت عظیمی برای استخراج الگو در شئون مختلف زندگی فردی، خانوادگی و اجتماعی آنان است. در این مقاله سیره ایشان از منظر هویت جنسیتی و زنانگی بازخوانی شد. مقاله حاضر با عنایت به مبانی هستی‌شناختی، انسان‌شناختی و معرفتی اسلام، به ارائه تصویری از الگوی هویت جنسیتی زنانه و عناصر و مؤلفه‌های آن شامل همسری، مادری، مدیریت خانه، حجاب و عفاف، و تأثیرگذاری اجتماعی در وجه زنانه خود پرداخت. همچنین در مقاله حاضر، ابعاد ذکر شده از مفهوم زنانگی در سیره و شخصیت حضرت زهرا (س) بررسی و روایتی زنانه از منش و زیست فردی، خانوادگی و اجتماعی ایشان ارائه شد.

### ۷. پیشنهادها

سیره معصومان (ع) مرجع بسیاری از پرسش‌ها و مسائل عصر امروز ما است و رجوع به آن‌ها می‌تواند برای اهل علم و اندیشه و نیز سیاست‌گذاران کشور در عرصه‌های مختلف راهگشا باشد؛ بنابراین پیشنهاد می‌شود مطالعه بیش از پیش سیره در دستور کار اهل پژوهش و جامعه علمی کشور قرار گیرد.

### تعارض منافع

این مقاله فاقد هرگونه تعارض منافع است.

### References

- The Holy Qur'an (In Arabic, with Persian translation).  
 Akochkiyan, A. (2005). Fatima Zahra (PBUH); The Everlasting Example of the Perfect Human, *Shia Women*, 4. (In Persian)  
 Al-Hurr al-Aamili, M. (1995). *Wasa'il al-Shia or (Tafsil wasayil alshiyeat 'ilaa tahsil masayil alsharieati)*. Qom: Al-Al-Bayt Lahiya Al-Terath Institute. (In Arabic)  
 Al-Irbili, A. (1961). *Kashf al-Ghumma*. Tabriz: Bani Hashemi school. (In Arabic)  
 Alviri, M. (2009). The leadership role and social life of Fatemeh (PBUH): A methodological introduction. *Shia Studies*, Vol. 4. (In Persian)  
 Al-Suyuti (1945). *Al-Dur al-Manthur*, Vol. eddah: Dar al-Marifah. (In Arabic)  
 Alasvand, F. (2011). *Women in Islam*. Qom: Office of Women's Studies and Research. (In Persian)

- Baba-Karimi, O. (2013). The political vision of Hazrat Zahra (PBUH), *Shia women*, 2. (In Persian)
- Bostan, H. (2006). *Islam and gender-based differences*. Qom: University and Seminary Research Institute. (In Persian)
- Bailey, K. D. (1994). *Methods of Social Research*. New York: Free Press.
- Barrett, M., & Philips A. (1992). *Destabilizing Theory: Contemporary Feminist Debates*, London: Polity Press.
- Beheshti, A. (1982). *Family in the Qur'an*. Qom: Tariq al-Quds. (In Persian)
- Cahoone, L. (2003). *Form Modernism to Postmodernism: An Anthology Expanded* (2<sup>nd</sup> Ed.). Wiley-Blackwell Publisher.
- Coleini, M. (1986). *Al Kafi*, by A. A. Ghafari. Tehran: Dar al-Ketab al-Islamiya. (In Arabic)
- De Beauvoir, S. (1949). *The Second Sex*. Translated by H. M. Parsley. New York: Vintage Book.
- Faraji, M., & Kazemi, A. (2009). Examining the level of religiosity in Iran. *Journal of Cultural Research*, 6, 79-96. (In Persian)
- Frouzesh, Z. (2007). Studying the family economy; based on Hazrat Zahra's (PBUH) practical life. *Letter of The Community*, 34. (In Persian)
- Fa'ali, M. (2009). Gender, feminism or divine essence, *studies of women's strategic aspects*, 12(46), 7-48. (In Persian)
- Firoozabadi, M. (1973). *The five virtues of the six Sahihs*. Beirut: Al-Alamy Foundation for Publications. (In Persian)
- Friedan, B. (1963). *The Feminine Mystique*. New York: Dell.
- Ghahraninajad, B. (2015). The presence and personality of Hazrat Zahra (PBUH) an example of a religious way of life. *Social and Cultural Strategy Quarterly*, 4(15), 219-241. (In Persian)
- Gheravi Nayini, N. (2004). Fatima Zahra (PBUH) and raising children in hadiths. *Religious Research*, 8, 25-45. (In Persian)
- Ghiasvand, A. (2006). Iranians' Behaviours and Beliefs: A Sociological Analysis of Relationships Between Religions in the Context of the State. *Social Sciences Quarterly*, 23(73), 211-251. (In Persian)
- Harding, S. (1998). *Sex Acts: Practices of Femininity*. Ithaca: Cornell University Press.
- Hendi, A. (1992). *Kenz Al-Amal*. Beirut: Al Payan Nameh Foundation. (In Arabic)
- Ibn Shuba Harrani, H. (1983). *Tuhaf al-Uqul*. Qom: Society of Seminary Teachers of Qom. (In Arabic)
- Ibn Shahr Ashub, M. (1956). *Manaqib Ale Abi Talib*. Najaf: Heydarieh. (In Arabic)
- Paydar, A. (1997). *Nahj al-Fasaha*. Tehran: Javidan. (In Persian)

- Javadan, M. (2012). *Prophet's daughter (PBUH)*. Qom: Allameh Askari Publications. (In Persian)
- Jafarian, R. (2006). *From the Prophet's (PBUH) passing away through the Umayyads' fall, the caliphs' history*. Qom: Dalile Ma. (In Persian)
- Javadi Amoli, A. (2007). *Women in the mirror of glory and beauty*. Qom: Esra Publications. (In Persian)
- Khazali, M. (2006). Analyzing the political approach taken by Hazrat Zahra (PBUH) with a study of Fadakiyeh's sermon, *Sahifa Matin*, 38, 54-86. (In Persian)
- Khomeini, R. (1989). *Sahifeye Noor*. Tehran: The Hazrat Imam's Works Collecting and Publication Office. (In Persian)
- Qadiri Abianeh, F. (2005). *Fatima Zahra (PBUH)*. Interpreter of Divine Signs. *Forough Vahdat*, 10, 25-39. (In Persian)
- Qutub-Rawandi, S. (1988). *Al-Khara'ij wa l-jara'ih*. Qom: Imam Al-Mahdi Foundation. (In Arabic)
- Qomi, A. (2005). *Safina al-Bahar and Madinah Al-Hakm and Al-Athar*. Tehran: Astan Quds. (In Arabic)
- Robertson, I. (1993). *Society: A Brief Introduction*. Translated by: H. Behravan. Mashhad: Astan Quds Razavi.
- Rauf Hebe (1998). *The Political Participation of Women from an Islamic Perspective*. Translated by: M. Armin. Tehran: Qatreh, Tabriz: Sotudeh. (In Persian)
- Sharafi, M. (2009). *Youth and identity crisis*. Tehran: Soroush. (In Persian)
- Shafipour, F. (2010). Examining the best means of institutionalizing Hazrat Zahra's (PBUH) behavior as a role model for modern females among university girls, *Research Journal of the Islamic Revolution*, 14. (In Persian)
- Sheikh al-Islami, h. (2007). *The seat of Fatima al-Zahra (PBUH)*. Description and translation: Heydar Ali Heydari. Qom: Ansarian. (In Persian)
- Sadouq, M. (1992). *Man La Yahduruhu al-Faqih*. By the efforts of Ali Akbar Ghafari. Qom: Society of Seminary Teachers of Qom. (In Arabic)
- Majlesi, M. (1983). *Bahar Al-Anwar*. Edited by: M. B. Behbodi et al. Beirut: Al-Wafa Institute. (In Arabic)
- Motahhari, M. (2006). *Islamic women's rights structure*. Tehran: Sadra. (In Persian)
- Motahhari, M. (2004). *Divine justice*. Tehran: Sadra. (In Persian)
- Masoumi, M. (2010). *Ruling regarding the ties of Women, religion, and social issues*. Qom: Bustan Book. (In Persian)
- Maghrebi, S. (1963). *Pillars of Islam*. Cairo: Dar Al-Maarif. (In Arabic)

- Moghimi Haji, A. (2014). *Fatemi Encyclopaedia*, Tehran: Research Institute of Islamic Culture and Thought. (In Persian)
- Mirkhani, A. (2001). *A fresh perspective on family relations*. Tehran: Safir Sobh. (In Persian)
- Nasri, A. (2000). *Philosophical reason for human creation*. Tehran: Young Thought Center. (In Persian)
- Nemati, D. (2008). *The political approaches of Hazrat Zahra (PBUH)* (In Arabic)
- Nouri, A. (2009). Family routines of Hazrat Zahra (PBUH). *Letter of The Community*, 57. (In Persian)
- Nouri-Tabarsi, H. (1980). *Mostadrak-al-vsayl and Mustanbat-al-masayel*. Qom: Al-Al-Bayt Lahyaya Al-Tarath Institute. (In Arabic)
- Nikoboreh, F. (2005). Fatima Zahra (S); The role model of today's women's political struggle, *Shia Women*, 4. (In Persian)
- Millett, K. (1969). *Sexual Politics*. Garden City, N.Y: Doubleday
- Tabresi, F. (1987). *Makarim al-Akhlaq*. Beirut: Dar al-Houra. (In Arabic)
- Tabresi, A. (1966). *Al-Ihtjaj*, Najaf: Dar al-Nu'man. (In Arabic)
- Tabasi, M. (2007). *The life of Sadiqa Fatimah (PBUH) is a study and analysis*. Qom: Bustan Ketab. (In Persian)
- Tavakli, N. (2003). An Examination of Iranian Literature about gender identity, Vol. *ournal of Anthropology Letter*, 3. (In Persian)
- Tusi, A. (1993). *Al-Amali*. Qom: Dar al-Taqfah. (In Arabic)
- Zarei, M., & Kardavani R. (2012). A comparison between Hazrat Zahra's (PBUH) approach to child-rearing and contemporary techniques. *Marafet*, 192. (In Persian)
- Zibaeinejad, M. (2010). *Identity and gender roles*. Qom: Office of Women's Studies and Research. (In Persian)
- Zibaeinejad, M. & Sobhani, M. (2004). *An explanation of the Islamic system of the female personality*. Qom: Office of Women's Studies and Research. (In Persian)